

جایگاه " رژیم امنیتی منع اشاعه " در سیاست خارجی آمریکا (۱۹۴۹-۲۰۰۷)

سید اصغر کیوان حسینی*

استادیار روابط بین الملل دانشگاه فردوسی مشهد

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۶/۱۲/۷ - تاریخ تصویب: ۱۳۸۷/۱/۲۷)

چکیده:

مفهوم "منع اشاعه" به سیاست‌ها و اقدام‌هایی اشاره دارد که در سطوح ملی و بین‌المللی در جهت اعمال نظارت و کنترل بر جریان انتقال سلاح‌های کشتار جمعی و تکنولوژی‌های پیشرفته‌ی مربوط شکل می‌گیرد. بر این مبنا، این مفهوم از ارتباط ماهوی خاصی با ترتیبات چند جانبه‌ی ناظر بر صدور تکنولوژی برخوردار است، نهادهای بین‌المللی که از بعد نظری در چارچوب "نظریه‌ی رژیم‌های بین‌المللی امنیتی" معنا می‌یابد. در این نوشتار، ضمن آشنایی با ویژگی‌های نظری و کارکردی ترتیبات یاد شده، به ویژه کوکوم، ان پی تی، ام تی سی آر و وسنار سعی می‌شود جایگاه ترتیبات مزبور به عنوان عناصر اصلی رژیم جهانی منع اشاعه در سیاست خارجی (امنیتی) آمریکا (در دوره‌های جنگ سرد و بعد از آن) مورد بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی:

نظریه‌ی رژیم بین‌المللی امنیتی، استراتژی امنیتی آمریکا، رژیم منع اشاعه، تکنولوژی پیشرفته‌ی دو منظوره، کوکوم، ان پی تی، ام تی سی آر، وسنار

Email: a.keivan.ir@gmail.com

* فاکس: ۰۵۱۱-۸۸۲۹۵۸۴

این مقاله مستخرج از پروژه‌ای است که تحت عنوان "جایگاه مفهوم تبدیل شونگی قدرت در سیاست خارجی آمریکا" در دانشگاه فردوسی مشهد (به شماره ۱۳/۵۵۰۲) به تصویب رسیده است.

مقدمه

در مسیر شناسایی عوامل مؤثر بر سیاست خارجی و راهبرد امنیتی آمریکا در سال‌های جنگ سرد و بعد از آن، مقوله‌ی تکنولوژی و جریان جابه‌جایی آن همواره از جایگاهی خاص برخوردار بوده است. بر این مبنای، "سیاست صدور تکنولوژی" این دولت، افزون بر سطح ملی در حوزه‌ی فراملی نیز به نقش آفرینی آن در ارتباط با ترتیبات چندجانبه‌ی ناظر بر صدور تکنولوژی (مانند کوکوم، ان پی تی، ام تی سی آرو و سنار) دلالت دارد؛ نهادهای بین‌المللی که "رژیم جهانی منع اشاعه" را شکل می‌دهند. به این ترتیب، آمریکا از این نوع "رژیم بین‌المللی امنیتی" برای پیشبرد اهداف (امنیتی) مورد نظر سود می‌برد. این شیوه‌ی رفتاری با فرصت‌های خاصی همراه است، که در این میان می‌توان به کسب و افزایش مشروعیت و مقبولیت در میان اعضای تشکیل دهنده‌ی ترتیبات یاد شده اشاره کرد. بر این مبنای، رهبران آمریکا از توان و کارایی نافذتر برای مقابله با پی آمدهای امنیتی حاصل از پراکندگی خارج از کنترل یا غیر قانونی سلاح‌های کشتار جمعی و تکنولوژی‌های پیشرفته (به ویژه دو منظوره) در مناطق خاص برخوردار می‌شوند. نوشتار حاضر بر اساس این پرسش طراحی شده است:

ترتیبات چند جانبه‌ی ناظر بر صدور یا جابجایی تکنولوژی، به عنوان مهم‌ترین نماد رژیم جهانی منع اشاعه از چه موقعیتی در سیاست خارجی آمریکا برخوردار است؟
 فرضیه‌ی زیر نیز تحت سنجش قرار می‌گیرد:

سیاست خارجی (امنیتی) آمریکا همگام با تحول در نظام بین‌الملل، از طریق اعمال نفوذ در ترتیبات چند جانبه‌ی ناظر بر صدور تکنولوژی، رژیم جهانی منع اشاعه را تحت تأثیر قرار داده است.

این نوشتار بر اساس الگوی توصیفی/علی در قالب چند بخش سازماندهی شده است؛ در گام اول، بحث نظری در خصوص نظریه‌ی رژیم‌های بین‌المللی امنیتی، به عنوان مقدمه‌ای برای آشنایی با ترتیبات چند جانبه‌ی ناظر بر صدور فناوری ارائه شده است؛ ترتیباتی که در قالب "رژیم جهانی منع اشاعه" قابل طبقه‌بندی است. در ادامه، الگوی تعامل آمریکا با مهم‌ترین موارد ترتیبات مزبور (کوکوم، ان پی تی، ام تی سی آر و سنار) در دوره‌های جنگ سرد و بعد از آن به ویژه شرایط بعد از یازدهم سپتامبر بررسی می‌شود.

۱- رژیم منع اشاعه به مثابه یک رژیم بین‌المللی امنیتی

ترتیبات چند جانبه‌ی که بر محور اعمال نظارت و کنترل بر جریان جابجایی یا صدور تسلیحات به ویژه تکنولوژی‌های پیشرفته (خاصه دو منظوره) شکل گرفته است؛ در قالب

نوعی "رژیم منع اشاعه" (Non-Proliferation Regime). قابل طبقه بندی است. از آنجا که کارکرد و اهداف رژیم مزبور بر مبنای توافقاتی چندجانبه میان دول غربی (در موارد زیادی با محوریت سیاست ها و ابتکارهای آمریکا) شکل گرفته است و جهت گیری اصلی آن نیز در جهت تأمین شرایط امنیتی مطلوب در گستره‌ی بین‌المللی طراحی شده است، از این ترتیبات به عنوان "رژیم امنیتی بین‌المللی" نیز می‌توان نام برد.

الف: نظریه‌ی رژیم‌های بین‌المللی امنیتی

در ابتدا باید توجه داشت که خاستگاه رژیم‌های بین‌المللی امنیتی، به مقوله‌ی "رژیم‌های بین‌المللی" (International Regimes) باز می‌گردد. از زاویه‌ی تبارشناسی نظری، نظریه‌ی رژیم‌ها را باید در بستر جریان اصلی نظریه پردازی روابط بین‌الملل به ویژه در حوزه‌ی رویکردهای لیبرالی پی جویی کرد. از این زاویه، مطالعات مربوط به "همگرایی منطقه‌ای" به عنوان نقطه‌ی آغاز توجه به این مفهوم مورد توجه قرار گرفته است (Nye, 1987: 372-374). برخی دیگر از تحلیلگران رژیم‌ها را به عنوان رویکردی کثرت‌گرا (تلفیق قدرت با فرهنگ منطقه‌ای یا تمدن جهانی) قلمداد کرده‌اند که در قالب "متغیری واسطه‌ای" میان متغیرهای مستقل بنیادین رفتاری (چون قدرت و منافع ملی) و رفتار خارجی (دولت‌ها) حائل می‌شود (سیف زاده، ۱۳۸۴: ۳۸۴-۳۸۱). گروهی دیگر، الگوی رفتاری آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم در زمینه‌ی ایجاد، حفظ و ارائه‌ی ساختارهایی پیچیده "رژیم‌های بین‌المللی اقتصادی" را به عنوان نقطه‌ی عطفی در جریان شکل‌گیری نظریه‌ی مزبور (رژیم‌های بین‌المللی) مورد توجه قرار داده‌اند (Little, 1997: 233). نکته‌ی دیگر به تعریف رژیم‌های بین‌المللی باز می‌گردد. در این زمینه کراسنر نوشته است:

"رژیم مجموعه‌ای از اصول، هنجارها، مقررات (قواعد) و رویه‌های تصمیم‌گیری صریح یا تلویحی است که به واسطه‌ی آن توقع بازیگران در حوزه‌ی مفروضی از روابط بین‌الملل به هم می‌گراید" (Krasner, 1982: 2).

حوزه‌ی مفروض در تعریف رژیم بین‌المللی در حوزه‌ی "رژیم امنیتی" (Security Regime) بر مقوله‌ی "امنیت" معنا متمرکز می‌شود. در این ارتباط، آرائی رابرت جرویس بر محور ابعاد مفهومی و تحلیلی رژیم‌های امنیتی قابل توجه است. به زعم وی، یک این نوع رژیم (امنیتی) زمانی متحقق می‌شود که طیفی از دولت‌ها برای دوری از جنگ یا کاهش یا حذف زمینه‌های ستیزه‌جویی و مجادله، به سوی سازوکار "دفع بحران" روی می‌آورند؛ که در این میان، بر مبنای رفتار خود و مفروضه‌های مربوط به رفتار دیگران به همکاری مبادرت می‌نمایند. در همین

راستا، وی شرایط لازم برای شکل گیری رژیم های امنیتی را در محورهای زیر مشخص می نماید:

- خواست مشترک بازیگران؛
- باور مشترک به ارزش ها؛
- عدم تمایل بازیگران به فزون طلبی؛
- اعتماد بازیگران به اینکه جنگ و منازعه و پی جویی امنیت براساس اقدامات و تدابیر انفرادی، فی نفسه موجب افزایش هزینه ها برای بازیگر مفروض خواهد شد (Jervis, 1982: 173-178).

ب. ترتیبات چند جانبه ی ناظر به صدور فناوری (پیشرفته) و تسلیحات؛ به مثابه ی یک رژیم بین المللی امنیتی

در ابتدا نکات زیر قابل توجه است:

اول؛ رژیم منع اشاعه، به طیفی گسترده از توافقات دو یا چند جانبه اشاره دارد که در میان جمعی خاص از دولت ها به ویژه دول غربی (به محوریت آمریکا) و برخی از متحدین غیرغربی، بر اساس دغدغه های معطوف به امنیت منطقه ای و جهانی شکل گرفته است.

دوم؛ حوزه ی مفروضی که به کانون اشتراک نظر و تفاهم میان بازیگران این رژیم تبدیل شده است، به طیفی خاص از مولفه های امنیتی اشاره دارد که در طبقه بندی تکنولوژی های پیشرفته خاصه دو منظوره (Dual Use Technology) قرار می گیرد.

سوم؛ ارزش های مشترک میان این بازیگران، از باورهای لیبرالیستی بر مبنای توسل به سازوکارهای غیر نظامی الهام می گیرد؛ رویکردی که ضمن نفی سیاست های نظامی گرایانه ای چون "تهدید به تلافی"، پاسخ های غیرنظامی به ویژه "توسل به ترتیبات چند جانبه ی کنترل صادرات" را بهترین شیوه برای پاسخگویی و رویارویی با تهدید حاصل از گسترش یا اشاعه ی خارج از کنترل تکنولوژی های پیشرفته (دو منظوره) و تسلیحات کشتار جمعی تشخیص می دهند (Flynn, 1992: 67-69).

به این ترتیب، رژیم منع اشاعه را باید به عنوان "سازوکار ماشه ای" (Trigger Mechanism) تلقی کرد که در بستر روابط متقابل چند جانبه در پی مقابله با امکان بالقوه و بالفعل گسترش خارج از نظارت و کنترل تکنولوژی های پیشرفته (به ویژه دو منظوره) است، تکنولوژی هایی که برای تولید، بهره گیری و نگهداری از تسلیحات پیچیده، خاصه سلاح های امحای جمعی ضروری است (Davis, 1993: 90). قابل ذکر است که بر اساس منطبق درونی این نوع رژیم، "استراتژی ناظر بر عرضه" بیش از استراتژی هایی چون "کنترل تقاضا"، "تدابیر

اعتماد آفرین" و "بازدارندگی فعال" اعتبار دارد؛ چرا که این استراتژی (ناظر بر عرضه) تحدید بنیه‌ی نظامی (دفاعی یا تهاجمی) کشور مخاطب را مد نظر دارد (لويس و جویز، ۱۳۷۱: ۳۸-۳۷). در همین ارتباط، برخی دیگر از تحلیلگران کارکرد رژیم بین‌المللی ناظر بر کنترل صدور تکنولوژی و تسلیحات را حول سه مقوله‌ی "سطح عرضه‌ی مؤثر"، "شدت تقاضای مؤثر"، و "محیط بین‌المللی" مورد توجه قرار می‌دهند (Spierling, Louscher, Salomone, 1995: 309-310).

از سوی دیگر، روند نظریه‌پردازی در خصوص منع اشاعه‌ی تکنولوژی، با برخی مؤلفه‌های روانی نیز ارتباط برقرار کرده که در این خصوص مفهوم "تابوگرایی" (Tabooism) قابل توجه است. تابو به نوعی باور تجویزی و هنجاری نسبت به رفتاری خاص دلالت دارد. این مفهوم در روند تکاملی ادبیات استراتژیک (به ویژه در دهه‌ی پنجاه) الگویی خاص از برخورد با تهدید ناشی از سلاح هسته‌ای را یادآوری می‌کند. به عبارت دیگر، در این دوره برخلاف مساعی نظری و عملی رهبران و استراتژیست‌های آمریکا که در پی منطقی و موجه جلوه دادن سلاح هسته‌ای و امکان بهره‌گیری از آن در سیاست امنیت ملی این کشور بودند؛ عواملی چون "جنبش ضد تسلیحات اتمی"، "گسترش دولت‌های غیرهسته‌ای"، ...، به تدریج شرایط بهره‌برداری از تسلیحات یاد شده را با نوعی بحران مشروعیت و مقبولیت مواجه کرد؛ وضعیتی که در پی بحران کوبا تشدید شد (Tannenwald, 2005: 28-30). آخرین نکته از بحث حاضر را به مهم‌ترین اهداف و تعهدات رژیم منع اشاعه اختصاص می‌دهیم:

- تنظیم روند انتقال تکنولوژی‌های حساس که به طور بالقوه از کاربری‌های نظامی برخوردارند.

- شناسایی دولت‌های نگران‌کننده و جلوگیری از گسترش یا اشاعه‌ی تکنولوژی‌های دو منظوره در جهت محروم‌سازی دولت‌های مزبور از این نوع تکنولوژی (Mallik, 2004: 15-16).

۲. جایگاه رژیم منع اشاعه در سیاست خارجی (امنیتی) آمریکا

در میان ترتیبات چند جانبه سه نمونه مورد توجه است:

- کمیته‌ی هماهنگ‌کننده‌ی نظارت‌های صادراتی چند جانبه (کوکوم) (Coordinating Committee for Multilateral Export Control) (COCOM).
 - پیمان منع گسترش هسته‌ای (ان پی تی) (Non Proliferation Treaty) (NPT).
 - رژیم کنترل فناوری موشکی (ام تی سی آر) (Missile Technology Control Regime) (MTCR).
- در ادامه‌ی بحث سعی خواهد شد که الگوی رفتاری آمریکا درباره هر یک از سه ترتیب مزبور مورد بررسی قرار گیرد.

الف. در دوره ی جنگ سرد

آمریکا و کوکوم

همانگونه که اشاره شد، هدف اصلی ترتیبات یاد شده را می‌توان در تاثیر بخشی بر جریان انتشار قابلیت های مربوط به تولید سلاح های کشتار جمعی و در نهایت، بی اثر ساختن (یا کم اثر سازی) پی آمدهای تهدید آفرین این نوع پراکندگی (Nye, 1978: 601) خلاصه کرد. از این زاویه، کوکوم را باید قدیمی ترین نهادی چندجانبه دانست که از سوی آمریکا و متحدان آن تشکیل شده است. این ارگان مشورتی از سال ۱۹۴۹ رویکردهای دول عضو بر محور کنترل صادرات اقلام تکنولوژیک به ممالک کمونیستی را هماهنگ می‌ساخت (امیدوارنیا، ۱۳۷۰: ۱۸۵). دومین مقطع نقش آفرینی کوکوم را می‌توان در شرایط بازنگری روابط آمریکا و شوروی در نیمه اول دهه ی هفتاد مشاهده کرد. با فشاری نیکسون بر مقوله ی تنش زدایی که به ویژه بر محور "سیاست پیوند" عرصه‌ای جدید از توسعه‌ی روابط اقتصادی و تکنولوژیک با مسکو را در دستور کار قرار می داد (Mc Intyre and Papp, 1989: 62)، زمینه‌ی نقش آفرینی مجدد نهاد مزبور (کوکوم) را فراهم آورد.

در دوره ی کارتر به ویژه در سال های پایانی دهه ی هفتاد، اعمال فشار آمریکا به اعضای این نهاد در جهت بازبینی قوانین و رویه های صادراتی افزایش یافت (Ibid: 218- 220). در دوره‌ی ریگان که سیاست خارجی آمریکا به پایبندی به مبارزه جویی ایدئولوژیک با اتحاد شوروی و ارائه ی راهکارها و پاسخ های جنگ سرد محور ملزم شد، رویکرد چانه زنی غرب- غرب با هدف تشدید سیاست های تحریم علیه مسکو مورد توجه دولت وقت قرار گرفت. بر این مبنا، کوکوم به عنوان سازوکاری کارآمد برای رویارویی با فعالیت‌های غیرقانونی کرملین برای دستیابی به تکنولوژی غربی، از تحریک و پویایی خاصی برخوردار شد (Bryen, 1999: 3 and Konfala, 1987: 53- 54). ناگفته نماند که در این سال ها اجلاس‌های مکرر کوکوم با دستور کاری جدید چون "بازنگری در فهرست اقلام و تکنولوژی های مشمول کنترل صدور" همراه بود (Olmer, 1987: 68 and Marks, 1987: 57-59). در این میان، رویکرد مزبور که از سوی آمریکا تاکید می شد، به بروز تنش هایی میان این دولت و متحدین اروپایی نیز منجر شد (بویل، ۱۳۸۰: ۲۸۵-۲۸۴).

آمریکا و ان پی تی

در دهه‌ی هفتاد شرایطی خاص برای ارزیابی میزان پایبندی آمریکا به مفاد ان پی تی شکل گرفت. در واقع، این دوره از یک سو با بروز حوادثی چون آزمایش هسته ای هند (۱۹۷۴) (جونز، ۱۳۷۳: ۱۸۲)، "شوک نفتی" (۱۹۷۴)، رونق بازار جهانی مواد قابل استفاده برای تولید

سلاح‌های هسته‌ای مقارن شد که برآیند آن در تضعیف جایگاه بین‌المللی معاهده‌ی مزبور مؤثر افتاد. از سوی دیگر، ایالات متحده نیز با چالش‌هایی خاص مواجه بود؛ معضلاتی که در ارتباط با ناکامی در نبرد ویتنام، کاهش سهم این دولت در عرصه‌ی صادرات جهانی راکتورهای پیشرفته‌ی آب سبک و تأمین سرویس‌های غنی‌سازی اورانیوم شکل گرفت، و به افول نقش بین‌المللی آن در عرصه‌ی رویارویی با گسترش توانمندی‌های هسته‌ای کمک کرد (Nye, 1995: 152). افزون بر آن، از مساعی این دولت در جهت شکل‌گیری "کلپ لندن" در سال ۱۹۷۴، به عنوان مبنایی برای ایجاد هماهنگی میان کشورهای تأمین‌کننده‌ی هسته‌ای (ان اس جی) (NSG) (Nuclear Supplying Group) نام برده شده است؛ چرا که حرکت مزبور زمینه‌ی تضعیف بیشتر جایگاه جهانی آن پی‌تی را فراهم آورد (یادگار فر، ۱۳۷۷: ۱۱۹). ملاحظه‌های کارتر در خصوص رژیم جهانی منع اشاعه‌ی هسته‌ای در مقایسه با اسلافش به ویژه فورد، از ویژگی‌های خاص برخوردار بود. به کلام دیگر، جهت‌گیری ملی‌گرایانه‌ی وی که در تعارض با سیاست‌های بلندمدت منع گسترش قرار داشت، ایالات متحده را از فرصت لازم برای ترغیب دیگر دولت‌ها به پیروی از رژیم مزبور باز می‌داشت. بر این مبنای اصولی چون "ایجاد نظام پادمان‌های مؤثر از طریق تأکید بر پادمان‌های جامع"، "اعمال محدودیت‌های بیشتر در جریان انتقال مواد و تکنولوژی‌های حساس مؤثر بر تولید تسلیحات اتمی"، "ایجاد اجماع لازم میان کشورها در مورد ساختار مدیریت آینده‌ی چرخه‌ی سوخت هسته‌ای"، ...، از مهم‌ترین موارد دستور کار این دولت محسوب می‌شد. به زعم تحلیلگران، پی‌آمدهای حاصل از عملکرد آمریکا در این دوره (بر محور سیاست‌های منع اشاعه‌ی تکنولوژی هسته‌ای)، با دید مثبتی باید ارزیابی شود؛ چرا که در نهایت، به ترسیم جدیدی از خطوط راهنمای پادمان‌های صادراتی منجر شد (Ibid: 154- 164; Nye, 1978: 608- 622).

در دوره‌ی ریگان که با سیاست‌های افراطی آمریکا علیه بلوک رقیب مقارن بود، مقوله‌ی اشاعه‌ی هسته‌ای از موقعیتی خاص برخوردار شد؛ به ویژه از این بعد که ضرورت رویارویی با تهدید ناشی از شکل‌گیری چرخه‌ی تولید سوخت هسته‌ای در برخی از کشورها و برخورداری تعدادی دیگر از تسهیلات نامطمئن و خطر آفرین اتمی، از مهم‌ترین موارد دستور کار امنیتی این دولت بود (Lellouche, 1979- 80: 347- 348). با این وصف، از یک سو دغدغه‌های مربوط به مهار جریان برخورداری دولت‌های رقیب از فناوری موشکی (به ویژه در میان کشورهای جهان سوم)، که در نهایت به شکل‌گیری رژیم کنترل تکنولوژی موشکی (ام‌تی‌سی‌آر) انجامید؛ و از سوی دیگر، تحولات شوروی که با ظهور گورباچف به آغاز روند بازنگری در سیاست‌های امنیتی و نظامی این کشور منجر شد؛ سیاست‌های این دولت در ارتباط با اشاعه‌ی هسته‌ای را با ابهام‌های فراوان روبرو کرد.

آمریکا و ام‌تی‌سی آر

هر چند زمینه‌های شکل‌گیری رژیم کنترل تکنولوژی موشکی (ام‌تی‌سی‌آر) به اواخر دهه‌ی شصت و مقارن با بروز جلوه‌ای جدید از توازن وحشت (از بعد قابلیت‌های موشکی) میان دو بلوک باز می‌گردد؛ اما حوادث دهه‌ی هشتاد خاصه از زاویه‌ی گسترش این نوع توانمندی استراتژیک در اروپای شرقی، خاورمیانه و آسیای جنوب غربی، دولت وقت آمریکا (ریگان) و متحدان آن را به سوی تأسیس این رژیم سوق داد. خطوط راهنمای این نهاد بر مبنای رویارویی با گسترش یا اشاعه‌ی موشک‌های بالستیک و تکنولوژی‌های مربوط ساماندهی شده بود، چرا که این نوع توانمندی به طور ذاتی امری بی‌ثبات کننده در عرصه‌ی امنیت بین‌الملل تلقی می‌شد. افزون بر آن، تعهد دول غربی به اصل تجارت آزاد و حمایت از توسعه‌ی اقتصادی و تکنیکی کشورهای جهان سوم، در برابر ضرورت پاسداری از نظم بین-الملل، امری ثانوی محسوب می‌گردید (Karp, 1991: 518-519). با این وصف، حوزه‌ی عملکرد و دامنه‌ی اثر بخشی این رژیم در دهه‌ی هشتاد، به ویژه در ارتباط با مهار دولت‌هایی چون پاکستان، آفریقای جنوبی و عربستان سعودی با تردیدهای گسترده‌ای مواجه شده است (Singh, 1992: 311-312). افزون بر آن، پی‌گیری‌های ایالات متحده در جهت اعمال خطوط راهنمای آن، در مواردی به محرومیت برخی دولت‌ها از تکنولوژی لازم برای پیشبرد خود جوش "سیستم‌های فضا-پایه" منجر می‌شد. این نکته در خصوص کارکردهای صلح‌آمیز چون ارتباطات هواشناسی و کاربری‌های سنجش نیز قابل طرح است (Ibid).

ب- بعد از جنگ سرد

آمریکا و کوکوم (وسنار)

دوره‌ی بوش که با خاتمه‌ی جنگ سرد همراه بود، در ارتباط با کوکوم نیز نکاتی بدیع در برداشت. در این میان، تأکید دولت وی (همراه با متحدان اروپایی) بر ضرورت بازنگری در کارکردهای این نهاد قابل توجه است. در این زمینه، مطرح می‌شد که بازنگری در فهرست اقلام و تکنولوژی‌های قابل صدور به دموکراسی‌های نوپا (حاصل از فروپاشی شوروی)، به ویژه اقلام موثر بر روند توسعه و رشد یافتگی اقتصادی و زیست محیطی، در کاهش خطرات ناشی از بی‌ثباتی اقتصادی و سیاسی در این منطقه تأثیرگذار است (National Security Strategy..., 1991, chapter 4).

نکته‌ی مهم این که کوشش‌های مربوط به افزایش ضریب انطباق‌پذیری کوکوم با شرایط جدید جهانی، به مثابه تیغی دودم عمل کرد؛ به گونه‌ای که در کنار بازنگری در فهرست اقلام و کارکردهای مربوط، به تدریج ضرورت ایجاد نهادی جایگزین را نیز ملموس تر ساخت. به

این ترتیب، در سایه‌ی پیگیری‌های آمریکا و در جهت تقویت میزان شفافیت، مبادله‌ی دیدگاه-ها، اطلاعات و پذیرش مسئولیت‌های بزرگتر در مورد نقل و انتقال تسلیحات متعارف و اقلام و تکنولوژی‌های دو منظوره، نهاد بین‌المللی دیگری تحت عنوان " ترتیب و سنار " (Wassenaar Arrangement) (WA) در سال ۱۹۹۵ جایگزین کوکوم شد. دامنه‌ی عضویت در این نهاد، افزون بر دول مشارکت کننده در کوکوم، کشورهای چوون فدراسیون روسیه، مجارستان، هلند و اسلواکی را نیز در بر می گرفت (Mallik, OP.Cit:93-94).

آمریکا و ان پی تی

بوش در چارچوب بازنگری در استراتژی کلان آمریکا و تطبیق آن با مقتضیات داخلی و محیطی شرایط بعد از جنگ سرد، به ویژه بر محور جایگاه تسلیحات اتمی در سیاست امنیت ملی این دولت که با نوعی مجادله میان طیف های سنت گرا (Traditionalists)، حداکثر گرا (Maximalists) و حداقل گرا (Minimalists) همراه شده بود (Cambone and Garrity, 1994-1995: 75-78)؛ تهدیدهای ناشی از گسترش خارج از کنترل این نوع توانمندی را حداقل در سه حوزه‌ی جغرافیایی روسیه، جمهوری های تازه استقلال یافته و جهان سوم ارزیابی می کرد. در این مورد سند استراتژی امنیت ملی که در سال ۱۹۹۱ (بعد از بحران کویت) انتشار یافت، قابل توجه است (The National Security Strategy..., 1991) در این ارتباط، می توان به موارد زیر به عنوان اقدام های عملی دولت مزبور اشاره کرد:

- زمینه سازی برای پیوستن فرانسه و چین به پیمان منع گسترش هسته ای (ان پی تی) در سال ۱۹۹۱. (Carpenter, 1992: 63-66)؛
- نقش آفرینی آمریکا در اجلاس " گروه تأمین کنندگان هسته ای " (ان اس جی) (کلوپ لندن) در سال ۱۹۹۲، در جهت تقویت زمینه های پایبندی دولت های دریافت کننده ی اقلام و تسهیلات هسته ای به پادمان های گسترده ای که در این خصوص طراحی شده بود (Spiers, 2001: 102)؛
- همکاری با روسیه در مورد کنترل تسلیحات که زمینه ی شکل گیری توافقات بین-المللی گسترده را در سطح سازمان ملل موجب شد. در این خصوص می توان به " قطعنامه فرامایی در امور تسلیحات " (TIA) (Transparency in Armament) (۱۹۹۱) اشاره کرد (تقوی عامری، ۱۳۷۳: ۱۰۷-۱۰۸). در مورد علت بروز این وضعیت، برخی از تحلیل گران به شیوه ی نوآورانه ی بوش در "مدیریت تسلیحات" اشاره کرده اند، الگویی که بر مبنای " تحول از روند استحاله پذیر دشمن سازی به سوی دوست و متحد آفرینی " جهت گیری شده بود. در هر صورت، این شرایط باعث شد که سال های بعد از بحران کویت به " عصر طلایی کنترل

تسلیحات " نامگذاری شود (Roberts, 1992: 39)، موقعیتی که از تأثیر پیشبرنده برای اهداف پیمان منع گسترش هسته ای (ان پی تی) برخوردار بود.

کلیتوتون در جریان مواجهه با ضرورت های نوین استراتژیک به ویژه از زاویه ی تهدید حاصل از گسترش توانمندی های کشتار جمعی، بر نوعی " چند جانبه گرایی " تأکید داشت (Foster, 1993: 21- 22). در این خصوص، سند استراتژی امنیت ملی که در سال ۱۹۹۴ منتشر شد، قابل اشاره است (The National Security Strategy..., 1994). در همین راستا، باید از مقوله ی "عدم اشاعه و مقابله با گسترش" (non- Proliferation and counter- proliferation) به عنوان یکی از اصول دومین سند مزبور (The National Security Strategy ..., 1996) سخن گفت. افزون بر آن، نقش آمریکا در جریان اجلاس بازنگری و تمدید معاهده ی عدم گسترش هسته ای (ان پی تی) که در آوریل ۱۹۹۵ (در نیویورک) برگزار شد، به نمونه ی دیگری در چارچوب سیاست منع اشاعه ی کلیتوتون اشاره دارد (نعمی ارفع و فرجوند، ۱۳۷۴: ۱۱۵۳-۱۱۵۴). در خصوص چرایی رویکرد مزبور، به توسعه ی حساسیت برانگیز و تهدید آمیز اعضای باشگاه اتمی (هند، پاکستان...) اشاره شده است (کگلی و ویتکف، ۱۳۸۲: ۱۱۲). با این وصف، موضع دولت وی در جریان امضای سند ۶۰-PDD (۱۹۹۷) قابل توجه است، چرا که هر چند سند مزبور بر "پاسخ هسته ای" به هر نوع تهاجم مبتنی بر توانمندی های کشتار جمعی تأکید داشت، اقدام به این پاسخ را به جایگاه دولت مهاجم در ان پی تی منوط می ساخت که این مهم می توانست به تقویت پیمان مزبور منجر شود (Pilat, 2005:164).

آمریکا و ام تی سی آر

با پایان جنگ سرد، افزایش حساسیت رهبران ام تی سی آر به ویژه آمریکا نسبت به گسترش خارج از نظارت توانمندی های موشکی، دو پیامد داشت: زمینه سازی برای گسترش دامنه ی عضویت که به پذیرش عضویت از سوی روسیه منجر شد؛ و دیگری، افزایش محدودیت در زمینه ی دستیابی دولت های چینی چون عراق و لیبی به قابلیت های موشکی (Boudreau, 1992: 1335). در دوره ی کلیتوتون نیز کماکان مسأله ی ضرورت تقویت ترتیب یاد شده، مورد تأکید بود. در این زمینه سند امنیتی ۱۹۹۴ به نکاتی چون گسترش دامنه ی عضویت توجه داشت.. همین معنا در سند امنیتی سال ۱۹۹۶ نیز مطرح شد. به زعم برخی از تحلیلگران، حساسیت های مزبور باعث شد که در همان سال (۱۹۹۶) زمینه های جذب برزیل، آفریقای جنوبی و تا حدودی چین به رژیم مزبور فراهم شود. در زمینه ی نقد رفتار خارجی وی بر محور رژیم موشکی، برخی بر کارآمدی آن در جهت رویارویی با تهدید ناشی از گسترش فناوری های موشکی تأکید می نمایند. در مقابل، برخی دیگر مدعی هستند که پافشاری این

دولت بر " منابع نرم قدرت " در چهره ی پایبندی به نظریه ی " صلح مردم سالار " (Democratic Peace Theory) بن نگره ای (Paradigm) ناکارآمد را ارائه می داد (Cohen, 2000: 1002-1001) که به تضعیف سیاست منع اشاعه ی موشکی در رابطه ی با متحدان منجر می شد. افزون بر آن، ایجاد و تقویت سیستم دفاع موشکی ملی (ان ام دی) (National Missile Defence) که در دستور کار دولت وقت قرار گرفت، از مصادیق رفتار چالش برانگیز آمریکا برای ام تی سی سی آر تلقی شده است (Bohlen, 2003: 29).

ج. از حادثه ی یازدهم سپتامبر به بعد

در سال های پایانی قرن بیستم طیف گسترده ای از رویکردهای تحلیلی مطرح شد که بر ضرورت تداوم سیاست رویارویی با اشاعه ی تکنولوژی های پیشرفته در چارچوب رفتار خارجی و راهبرد امنیتی آمریکا تاکید می کردند (م.ک: ۱۰۷-۱۰۳، 1999 Strategic Paradigms..., and Carter, دیدگاه هایی که میان شیوه ی " درگیری گزینشی " (Selective Engagement) و " استراتژی های مشتمل بر آزادی عمل گسترده " (Free Hand Strategies) در نوسان بود (Art, 2003: 198-200). واقعیت این است که حادثه ی یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ سیاست منع اشاعه را به جایگاهی ویژه در دستور کار دولت بوش سوق داد. به این ترتیب، فراتر از برخی تعبیر که مقوله هایی چون "دموکراتیزه شدن فناوری" (Democratization of technology) و "خصوصی شدن جنگ" (Privatization of war) را به عنوان روندهای مستعد برای شکل گیری این واقعه مطرح کردند (Nye, 2003: 62-63)، حادثه ی مزبور زمینه های پیوند آفرینی میان فعالیت های تروریستی، کنترل تسلیحات در عرصه ی امحای جمعی و سیاست منع گسترش را در اختیار دولتمردان این کشور قرار داد (Newman, 2004: 59)، تا آنجا که برخی از نو محافظه کاران افراطی از این ویژگی به عنوان مهم ترین شاخص "توانایی آمریکا در ایفای نقش رهبری جهانی" سخن گفتند (Ibid: 79). حتی برخی مدعی بودند که رویارویی با تهدید حاصل از گسترش توانمندی های کشتار جمعی، ساختارهای بوروکراتیک، عملکردهای امنیتی داخلی و به ویژه زمینه ی باز جهت گیری در سطح خطوط راهنمایی سیاست خارجی ایالات متحده را ترسیم می نماید (Frum and Perl, 2003: 114). در این ارتباط، نخستین سند امنیت ملی که در سپتامبر ۲۰۰۲ انتشار یافت (The National Security Strategy..., Sep 2002)، چارچوب پیوند آفرینی میان دو مفهوم "ضد اشاعه" (counter Proliferation) و ضد تروریسم (Counter Terrorism) همراه با اقدامات نظامی "را مطرح کرد؛ رویکردی نو آورانه که آمیزه های مشخصی از سیاست اقدام پیشدستانه و پیشگیری کننده را نیز به همراه داشت (Ellis, 2003: 51-52). در بررسی مبنای این رویکرد، به دو محور زیر اشاره شده:

- ناتوانی شبکه ی ترتیبات و پیمان های چند جانبه ی ناظر بر عرصه ی جهانی منع اشاعه؛
- ضرورت رویارویی با تهدید حاصل از گروه های تروریستی، به بازیگران غیر دولتی که در حوزه ای فراتر از صلاحیت های ترتیبات مزبور فعالیت می نمایند (Secretary of State..., 2001).
- در این ارتباط، رژیم کنترل فناوری موشکی (ام تی سی آر) نخستین ترتیب چندجانبه بود که تحت تاثیر قرار گرفت. در واقع، پافشاری بوش بر "دفاع موشکی" در قالب نظام "دفاع موشکی ملی" که به عنوان وجهی خاص از رویکرد انقلابی وی در حوزه ی تفکر استراتژیک تلقی شده است (Berman, 2003-2004: 51-52)، زمینه ی تضعیف رژیم مزبور را فراهم کرد.
- سیاست هسته ای بوش بر محور "بررسی موقعیت هسته ای" (ان پی آر) Nuclear Posture (NPR) (Review)، از دیگر اقدامات یکجانبه گرایانه بود که پیمان منع اشاعه هسته ای (ان پی تی) مخاطب قرار داد. در واقع، تأکید این ابتکار (ان پی آر) بر "ایجاد بازدارندگی معتبر و قابل اعتماد علیه دشمن از طریق برخورداری و استفاده از سلاح هسته ای"، بازدارندگی هسته ای را به سوی بهره گیری پیشدستانه از این قبیل تسلیحات سوق می داد (Graham, 2004: 67-68).
- این شیوه ی برخورد با سلاح هسته ای، استراتژی دولت بوش بر محور ایجاد تعادل میان "حفظ یک موقعیت هسته ای تسلیحاتی" و "مهار یا کنترل اشاعه ی تکنولوژی های مربوط به سلاح اتمی" را با نوعی تعارض (پارادوکس) مواجه می کرد (Deutch, 2005: 52). افزون بر آن، این نوع "ابهام استراتژیک" زمینه ی احیای مزیت استراتژیک این قبیل تسلیحات را فراهم می آورد که می توانست برای ان پی تی چالش آفرین باشد (Pilat, 2005: 165-166). در همین خصوص، مواضع بوش در سال ۲۰۰۴ مبنی بر رسوخ پذیری معاهده ی مزبور که زمینه های دستیابی کشورهای سرکش به فناوری هسته ای را فراهم می آورد (Graham, op. cit: 61) قابل توجه است؛ رویکردی که در اجلاس بازنگری ان پی تی (۲۰۰۵). به تاکید بر سیاست محروم سازی دائمی کشورهای فاقد سوخت هسته ای از امکانات درونزای لازم برای تولید سوخت مزبور منجر شد (عبدالکریم، ۱۳۸۴: ۵). مورد دیگر به ترتیب و سنار باز می گردد. در واقع، تجربه ی سپتامبر ۲۰۰۱، اعضای این نهاد به ویژه ایالات متحده را به سوی بازنگری در الگوی کارکردی آن سوق داد، آنچه که در سال های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۵ انجام شد (م. ی: 8-16 Danelson, 2005).
- در پایان بحث حاضر شایسته است که به چند مورد از ابتکارهای دولت بوش بر محور بازنگری یا تقویت رژیم جهانی منع اشاعه اشاره شود:

نخستین مورد به گروه تأمین کنندگان هسته ای (ان اس جی) مربوط می‌شود. در پی کشف یک محموله از اقلام هسته ای مربوط به لیبی (اکتبر ۲۰۰۳)، ایالات متحده بر کشف شبکه‌ای نو ظهور از ارتباطات هسته ای تأکید داشت که دولت‌ها چون عراق، لیبی، سوریه، مصر و کره‌ی شمالی را در بر می‌گرفت و هدایت آن نیز با عبدالقدیر خان، پدر بمب هسته‌ای پاکستان بود. بوش دلایل اصلی این واقعه را در ضعف و ناکارآمدی "ترتیبات بین‌المللی منع اشاعه" به ویژه گروه مزبور معرفی کرد. این دیدگاه به تدابیری چون توسعه‌ی دامنه‌ی عضویت در ان اس جی، افزایش سطح مشارکت اطلاعاتی و ارتباطی میان کشورهای عضو، بازنگری در "نظام ملی کنترل صدور تکنولوژی" برای دول عضو منجر شد (Albright and Hinderstein, 2005: 111-123).

مورد بعدی به "ابتکار امنیت اشاعه" (پی اس آی) (Proliferation Security Initiative) (PSI) مربوط می‌شود. در واقع، در پی کشف اقلام مربوط به سلاح‌های کشتار جمعی در یک کشتی متعلق به کره‌ی شمالی؛ این ابتکار از می ۲۰۰۳ در دستور کار دولت بوش قرار گرفت. آمریکا در چارچوب نشست‌های مشترک با دول اروپایی که تا ۲۰۰۶ ادامه داشت، ساختار این ابتکار را باشکل جدیدی از "همکاری بین‌المللی بر محور تحقق اهداف منع اشاعه" پی‌ریزی کرد که در آن بر مواردی چون بازرسی محموله‌های دریایی تأکید می‌شد (Winner, 2005: 129-134 & carter, 2004: 75). در ضمن، قطعنامه‌ی ۱۵۴۰ شورای امنیت (آوریل ۲۰۰۴) از مستندات قانونی است که به تقویت جایگاه پی اس آی کمک کرد (Alberight and Hinderstien, 2005: 49-56). سند مزبور را باید نقطه‌ی عطف برای "رژیم جهانی کنترل صدور" در نظر گرفت، چرا که مجموعه‌ای از تعهدات قانونی را بر محور کنترل صدور تسلیحات کشتار جمعی، نظام‌های ترابری آن و اقلام مربوط، بر تمامی دولت‌ها تحمیل می‌کند. (م. ک: Fischer, 2005: 49-56) ناگفته نماند که تا پایان سال ۲۰۰۶، حدود ۷۰ کشور به نوعی با پی اس آی در تعامل بودند (نفرشی خامنه، ۱۳۸۵: ۸۳-۸۴). مورد بعد کنفرانس "ابتکار جهانی کاهش تهدید" است که در سپتامبر ۲۰۰۴ به ابتکار آمریکا (در کنار روسیه و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی) و با حضور ۵۷۵ نماینده از نود کشور شکل گرفت. در این نشست ضرورت "حفظ امنیت دانش" و طرح‌های مربوط به مواد هسته‌ای و رادیو اکتیو مورد توجه قرار گرفت؛ تا تهدید ناشی از دستیابی گروه‌های افراطی به این اقلام به عنوان دغدغه‌ی جهانی کاهش یابد (متقی‌نژاد، ۱۳۸۳: ۶۳-۵۹). نباید از نظر دور داشت که بوش در دومین دوره‌ی ریاست جمهوری به سوی نوعی "چندجانبه‌گرایی نسبی" به ویژه در ارتباط با رژیم منع اشاعه سوق یافت. در این خصوص، به مواردی چون تمایل به همکاری با روسیه در جهت شکل‌گیری نوعی "برنامه‌ی جهانی مقابله با تروریسم هسته‌ای"، ایجاد شراکت استراتژیک با هند بر محور تحدید

جریان اشاعه‌ی هسته‌ای، اشاره شده است (Gordon, 2006: 75-79). در همین ارتباط، می‌توان به سند امنیت ملی آمریکا در مارس ۲۰۰۶ اشاره کرد که در آن بهره‌گیری از شیوه‌هایی چون "اقدام مشترک با هم پیمانان" و "دیپلماسی بین‌المللی هماهنگ با هم پیمانان و شرکای اصلی منطقه‌ای" به عنوان راهکاری مهم برای تقویت نهادهای بین‌المللی چون آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در نظر گرفته شده است (The National Security Strategy..., 2006).

نتیجه

رژیم جهانی منع اشاعه در کنار اثرپذیری از مولفه‌های داخلی همواره در برابر متغیرهای بیرونی به ویژه اراده‌ی قدرت‌های بزرگ نیز تاثیر پذیر بوده است. در این میان، رفتار خارجی آمریکا و ملاحظه‌های امنیتی-استراتژیک آن از نقشی خاص برخوردار است، نقشی که متناسب با تحولات بین‌المللی، چون الگوی انقباض و انبساط در ساختار جنگ سرد و بعد از آن یا بروز تحول در مخاطبین رژیم مزبور (بلوک شرق، جهان سوم یا حتی گروه‌های تروریستی)، با دگرگونی‌هایی همراه بوده است. با این وصف، مهم‌ترین ویژگی رفتار خارجی این دولت به زمینه‌سازی برای ایفای نقش مناسب و نافذ برای رژیم منع اشاعه و ترتیبات چند جانبه‌ی مرتبط با آن مربوط می‌شود. بر این مبنا، الگوهای تعامل آمریکا با هر یک از نهادهای یاد شده، بر سطح کارایی و خاصه مشروعیت رویکرد جهانی منع اشاعه تاثیر مستقیم خواهد داشت، مقبولیتی که برای پیشبرد اهداف رژیم مزبور در ارتباط با دولت‌های در حال توسعه به شدت حائز اهمیت است.

منابع و مأخذ:

الف- فارسی:

- ۱- امیدوارنیا، محمد جواد، ۱۳۷۰، *سیر تحول در اندیشه نظامی و سیاست تسلیحاتی چین*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۲- بویل، پیتر، ۱۳۸۰، *تاریخ روابط آمریکا و شوروی*، ترجمه‌ی غلامرضا بابایی و محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۳- بیلیس، جان؛ بوث، کن؛...، ۱۳۷۴، *استراتژی معاصر*، ترجمه‌ی هوشمند میرفخرایی، تهران: دفتر سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- ۴- تقفی عامری، ناصر، ۱۳۷۳، *استراتژی و تحولات ژئوپلیتیک پس از دوران جنگ سرد*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۵- جونز، والتر، ۱۳۷۳، *منطق روابط بین‌الملل*، ترجمه‌ی داوود حیدری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۶- سیف زاده، حسین، ۱۳۸۴، *نظریه‌ها و تئوری‌های مختلف در روابط بین‌الملل فردی-جهانی شده*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۷- کلگی، چارلز و یتکف، اوجین، ۱۳۸۲، *سیاست خارجی آمریکا، الگو و روند*، ترجمه‌ی اصغر دستمالچی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

۸- کی سنجر، هنری، ۱۳۸۱، دیپلماسی آمریکا در قرن ۲۱، تهران: مؤسسه مطالعات ابرار معاصر تهران.

ب- مقالات

- ۱- بنیانیان، مسعود، " معاهده منع گسترش سلاح های هسته ای در معرض سقوط"، فصلنامه سیاست خارجی، سال نهم (زمستان ۱۳۷۴)، صص ۱۶۵۷- ۱۶۷۵.
- ۲- تسلیحات اتمی، منع یا گسترش"، کیهان(۱۳۷۴/۲/۱۳).
- ۳- نفرشی خامنه، مجید، " ابتکار امنیت اشاعه"، ماهنامه، شماره ی ۲۰۰ (مرداد- شهریور ۱۳۸۵)، صص ۸۴- ۸۱ - عبدالکریم، مریم، " جدالی سخت برای داراها و ندارها"، شرق (۱۳۸۴/۲/۷).
- ۴- لوتیس، ویلیام و جوینز، کریستوفر، "راه های جلوگیری از گسترش سلاح های غیر متعارف"، ترجمه ی علیرضا طیب، *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، سال هفتم، شماره ی ۶۲- ۶۱. (مهر- آبان ۱۳۷۱)، صص ۳۵- ۴۴.
- ۵- متقی نژادی، محمد علی، " ابتکار جهانی کاهش تهدید"، ماهنامه، شماره ی ۱۸۷ (دی ماه ۱۳۸۳) صص ۶۳- ۵۹.
- ۶- نعیمی ارفع، بهمن و فرجوند، هادی، "سازمان ملل و مسأله عدم گسترش سلاح های هسته ای"، *مجله سیاست خارجی*، سال نهم، شماره ی ۳ (پاییز ۱۳۷۴) صص ۱۱۳۳- ۱۱۶۵.
- ۷- یادگارف، محمود، " نظاهای بازرسی سلاح های کشتار جمعی"، *مجله سیاست دفاعی*، شماره ی ۲۵ (زمستان ۱۳۷۷) صص ۱۱۰- ۱۲۹.

ج. خارجی :

الف- کتاب

- 1- Art ,Robert, 2003, *A grand Strategy for America* , London: Cornell University Press.
- 2- Frum, David and Perle, Richard, 2003, *An End to Evil: How to win the war on terror* New York: Rondon House.
- 3- Graham Jr, Thomas, 2004, *Common Sense on Weapons of Mass Destruction* , Seattle: University of Washington Press.
- 4- Mallik, Amitav, 2004 *Technology and Security in the 21" Century, a Deman_Side Perspective*, Sipri (Research Report, No. 20), Oxford: Oxford Univercity Press.
- 5- Mc Intyre. J. R and Papp, Daniel, 1989, *The Political Economy of International Technology Transfer*, New York: Green Wood Press.
- 6- Secretary of Defense, 2001, *Proliferation: Threat and Response* ,Washington: Department of Defense.
- 7- Spiers, E. M, 2001, *Weapons of Mass Destruction, Prospects for Proliferation* ,U.S: Macmillan Press. LTD.

ب- مقالات

- 1- Albright, Dand Hinderstein, C; " Unraveling the A. Q. Khan and Future Proliferation Networks", *The Washington Quarterly* (Spring 2005), pp. 110- 130.
- 2- Berman, Iian, "The Bush Strategy At War", *The National Interest* (Winter 2003/2004) pp. 42- 60.
- 3- Bohlen, Avis, " The Rise and Fall of Arms Control", *Survival*, Vol. 45, No. 3 (Autumn 2003), pp. 25-52.
- 4- Boudreau, Donald G, " An Advancing Non_ Proliferation", *Strategic Analysis*, Vol. XIV, No. 111(Feb 1992). Pp. 1320- 1339.
- 5- Bryen, Stephen, " Strategic Export Controls Remain Necessary: Testimony", *JINSA online*, (12/6/1999).pp. 2- 9.
- 6- Cambone. S. A and Garrity P.J, "The Future of U. S. Nuclear Policy", *Survival*, Vol. 36, No. 4 (Winter 1994- 1995), pp. 72- 81.
- 7- Carpenter, Ted Galen, " A New Proliferation Policy", *The National Interest* (Sum 1992).pp. 60- 75.
- 8- Carter, Ashton, " Adupting U.S. Defense to Future Needs", *Survival*, (Winter 1999- 2000).pp.101- 123.

- 9- Carter, Ashton, " How to Counter WMD", *Foreign Affairs*, Vol. 38, No.5 (Sep- Oct 2004), pp. 72- 85.
- 10- Cohen, Raymond, " Pacific Unions: a Reappraisal of the Theory that Democracies do not Go to War With Each Other, in, Andrew Linklater (ed), *International Relations, Critical Concepts in Political Science* (London: Routledge, 2000),pp. 998- 1010.
- 11- Danelsson, Sune, " Basic Information on The Wassenaar Arrangement", in, Dorothea Auer, *Export Control and its Role in Strengthening International Security* (Vienna: Vienna School of International Studies, 2005),pp. 8- 16.
- 12- Davis, Zachary, " The Realistic Nuclear Regimes", *Security Studies*, Vol. 2, No. 4 (Spring- Summer 1993),pp. 88- 95.
- 13- Deutch John, " A Nuclear Posture for Today", *Foreign Affairs*, Vol. 48, No. 1 (Jan- Feb 2005),pp. 48- 60.
- 14- Ellis, Jonson D, "The Best Defense: Counterproliferation and U.S National Security", *The Washington Quarterly*, Vol. 26, No. 2(2003),pp. 48- 58.
- 15- Fischer, Per. S, " Security Council Resolution 1540 and Export Controls", in, Dorothea, *Op. cit*,pp. 49- 56.
- 16- Flynn, Stephen, " Perspectives Policy and Strategy", *Strategic Review* (Winter 1992). pp. 65- 71.
- 17- Foster. G. F, " America and World: A Security Agenda for the Twenty- First Century", *Strategic Review* (Spring 1993),pp 19-29.
- 18- Gordon, Philip, " The End of the Bush Revolution", *Foreign Affairs*, Vol.85, No. 4(July- Augoust 2006),pp. 73- 84.
- 19- Jervis, Robert, " Security Regimes", in,S. Krasner, (ed). *International Regimes* (London: Cornell University Press, 1982),pp. 170-185.
- 20- Karp, Aron, " Controlling Ballistic Missile Proliferation", *Survival*,Vol. XXXIII, No. 6(Nov- Dec 1991), pp. 515- 529.
- 21- Konfala, John, " A Defence Department Perspective on Export Controls", in, B.L. Seward (ed), *Technology Control, Competition and National Security, Conflict and Consensus* (university. Press of America, Inc, 1987),pp. 48- 62.
- 22- Krasner, Stephen. D. " Structural Causes and Regime Consequences: Regimes at Intervening Variables", in, Krasner Op.cit, pp.2- 25.
- 23- Lellouch, Pierre, " International Nuclear Politics", *Foreign Affairs* (Winter 1979/80), pp. 340- 356
- 24- Little , Richard, " International Regimes", in, John Baylis and Steven Smith (ed), *The Globalization of World Politics, on Introduction to International Relations*, (Oxford: Oxford University Press,1997), pp. 210- 252.
- 25- Marks, Michael, " A State Department Perspective on Export Control", in, Seward, *Op. Cit*, pp.55- 72.
- 26- National Strategy to Combat Weapons of Mass Destruction, in, (<http://www.Whitehouse.gov/news/releases/2002/12/WMD> Strategy. Pdf).
- 27- Newman, Andrew, " Arms Control, Proliferation and Terrorism: The Bush Administration's Post Septamber 11 Security Strategy", *The Journal of Strategy of Strategic Studies*, Vol. 27, No. 1 (March 2004), pp. 55- 80.
- 28- Nye.Jr, Joseph. S, " Maintaining a Non- Proliferation Regime", in, Mahammed Balam, *Essays on Nuclear Nonproliferation* (New Delhi: Vikas Publishing House, 1995), pp.145- 160.
- 29- Nye.Jr, Joseph.S, " Nuclear Learning and U.S_Soviet Regimes", *International Organizations*, Vol. 41(Sum 1987), pp.371- 402.
- 30- Nye.Jr, Joseph.S, "Non- Proliferation, A Long- Term Strategy", *Foreign Affairs*, Vol. 56, No. 4 (July 1978),pp. 595- 630.
- 31- Nye.Jr, Joseph.S," U.S. Power and Strategy After Iraq", *Foreign Affairs*, Vol. 82, No. 4 (July- August 2003), pp. 56- 60.
- 32-OLmer, Lionel, " A Evaluation of the Reagan Administration's Export Control Program", in, B. L. Seward, *Op. Cit*,pp.55- 70.
- 33- Pilat, Joseph F," Reassessing Security Assurances in a Unipolar World", *The Washington Quarterly*, (Spring 2005), pp. 159-170.
- 34- Roberts, Brad, " Arms Control and The End of The Cold War", *The Washington Quarterly*, (Autumn 1992), pp. 30- 42.

- 35- Singh, Ravinder Pal, "Effects of Missile Technology Control Regime", *Strategic Analysis*, Vol. XIV, No. 4 (July 1992), pp. 303- 322.
- 36- Sprling, J and Louscher, D and Salomones, M; " A Reconceptualization of the Arms Transfer Problem", *Defense Analysis*, Vol. 11, No. 3 (1995), pp. 305- 319.
- 37- Strategic Paradigms: U.S. Security Planning for Foreign Policy Analysis, 1999.
- 38- Sullivan, Peter," Export Controls, Conventional Arms and Dual- Use Technologies", (December 1996). In, A:/ forum 100.htm.
- 39- Tannenwald, Nina, " Stigmatizing the Bomb, Origins of The Nuclear Taboo", *International Security*, Vol. 29, No.4 (Spring 2005), pp. 25- 40.
- 40- The National Security of the U.S of America, (<http://www.Whitehouse.gov- August 1991>).
- 41- The National Security Strategy of U.S. America, Engagement and Enlargement (1994). In, www.Whitehouse.gov
- 42- The National Security Strategy of Engagement and Enlargement (Feb 1996), in, (<http://www.fas.org/spp/Military/docops/national/1996 Stra. htm>).
- 43- The National Security Strategy of U.S of America (Sep 2002). In, www.Whitehouse.gov.com
- 44- The National Security Strategy of The U.S of America (March 2006), in, (<http://www.whitehouse.Gov>).
- 45- Winner Andrew, "The Proliferation Security Initiative: The New Face of Interdiction", *Washington Quarterly* (Spring 2005), pp. 125- 140.